

آز

درت

لذت

دل پذیر

اذان

ذره بین

گذشت

گزشته

می گزارد

گذاشت



ذ

گُذشته - آذان - لَذَّت - آذَر - دِلپَذِير

می گُذارَم - می گُذارَد - می گُذارَند ... گذاشت

از دیدَنِ کوه ها و چشمِه ها لَذَّت بُرَدَم.

تابستانِ گذشته به مسافِرت رَفَتَم.

مَن وَسَائِلِ خود را دَرِ جای مَخْصُوصِ می گذارَم.

بَچَه ها از بَرَفِ بازی لَذَّت می بَرَنَد.

با شِنیدَنِ صِدَای آذان ، پِدرَم به مَسْجِدِ می رَوَد.

آذَر دَفَتَرِ خود را دَرِ کِيفِ می گذارَد.